

عنوان مقاله:

مبتداسازی ضمیرگذار ساخت ملکی در زبان فارسی بر اساس نظریه بهینگی

محل انتشار:

فصلنامه زبان پژوهی، دوره 15، شماره 48 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

بهمن عبدلی - فارغ التحصیل دکتری زبانشناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

علی علیزاده - گروه زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

والی رضایی - گروه زبانشناسی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

هدف پژوهش حاضر بررسی کارایی نظریه بهینگی در تجزیه و تحلیل مقوله ساخت ملکی زبان فارسی است. مقاله پیش رو می کوشد با استفاده از نظریه نحو ترازمند (۲۰۰۴؛ Newson ۲۰۱۰)، و در چارچوب نظریه بهینگی (Prince & Smolensky, ۱۹۹۳؛ ۲۰۰۴) نشان دهد که در ایجاد مبتداسازی ضمیرگذار ساخت ملکی در زبان فارسی محدودیت هایی مشتمل بر محدودیت های تقدم، مجاورت و وفاداری اعمال می شوند که ترتیب مرتبه بندی آنها صورت یا صورت های بهینه را مشخص می سازد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و نمونه های مورد بررسی مشتمل بر زبان محاوره است. مواردی که در این مقاله بررسی می شوند عبارتند از الف) ماهیت سازه مبتداسازده در ساخت ملکی ب) وضعیت موضوع اول (فاعل) به صورت اسم خاص یا ضمیر فاعلی محذوف و ج) وضعیت مبتداسازی مضاعف در ساخت ملکی زبان فارسی. نتایج مربوط به تابلوها نشان می دهد که مبتداسازی ضمیرگذار مالک در ساخت ملکی در واقع مبتداسازی افزوده است و نه موضوع. بنابر نتایج حاصل از این پژوهش، حضور فاعل به صورت اسم خاص و یا ضمیر فاعلی تاثیر یکسانی بر تحلیل تابلوها دارد. از سوی دیگر، در ساخت ملکی زبان فارسی امکان مبتداسازی مضاعف وجود دارد. این مطالعه نشان می دهد که نظریه بهینگی و یک نظام ترازمند مبتنی بر ترتیب خطی سازه ها در تجزیه و تحلیل ساخت مبتداسازی ضمیرگذار مالک زبان فارسی کارایی لازم را دارد.

کلمات کلیدی:

نظریه بهینگی، مبتداسازی ضمیرگذار، نحو ترازمند، ساخت ملکی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1787415>

